

نقش دانشگاه آزاد اسلامی در تشکیل سرمایه انسانی «نگاهی به پراکندگی جغرافیایی در ایران»

دکتر ناصر اقبالی

استادیار گروه جغرافیای دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز

چکیده :

در این مقاله نویسنده ضمن تشریح سرمایه انسانی و اجتماعی و ارتباط متقابل آنها معتقد است که در کشورهای در حال توسعه از جمله ایران سرمایه انسانی بدلیل نقش بارز آن در آگاهی بخشی و افزایش کارایی افراد جامعه در شکل گیری سرمایه اجتماعی نقش به سزایی دارد. نویسنده سپس به نقش دانشگاه آزاد اسلامی در ایجاد نظام آموزش عالی در پهنه جغرافیایی کشور و آسان نمودن دسترسی به آموزش عالی برای شتاب بخشیدن به تشکیل سرمایه انسانی پرداخته است. از اینرو وی در ادامه به توزیع انسانی دانشجویان این دانشگاه با استفاده از شاخص سرمایه انسانی پرداخته است. وی در ادامه به توزیع دانشجویان این دانشگاه با استفاده از شاخص های میانگین و ضریب تغییرات واحد ها و مراکز هر استان پرداخته و معتقد است که روند توزیع جمعیت دانشجویی طی سالهای ۱۳۸۴-۱۳۸۰ جهتی نسبتاً قابل قبول داشته است.

واژگان کلیدی : سرمایه انسانی، سرمایه اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی، توزیع منطقه‌ایی، ضریب تغییرات

۱) مقدمه

در گذشته اصولاً واژه‌های توسعه و رشد اقتصادی مترادف یکدیگر تلقی می‌گشت. رشد اقتصادی به ترتیب در گرو سرمایه‌گذاری، پس انداز و پروسه تشکیل سرمایه است. به عبارت دیگر جامعه‌ایی که بتواند قسمت قابل توجهی از درآمد خود را پس انداز نماید، می‌تواند آن را به سرمایه‌گذاری تبدیل نماید و فرآیند توسعه را طی نماید. اصولاً این رویکرد برگرفته از نظریه پردازان رشد نوین اقتصادی است که از تجربه اقتصادی کشورهای اروپای غربی، آمریکا و ژاپن الگو گرفته است. اما الگوی یاد شده در مورد بسیاری از کشورهای جهان سوم و در حال توسعه که با تنگناهای ساختاری روبرو بودند نتایج قابل توجهی در بر نداشت. تجربه کشورهای صادر کننده نفت (عضو اوپک) پس از انفجار قیمت نفت در اوایل و اواخر دهه هفتاد که دو شوک نفتی را در پی داشت، می‌تواند مبین بطلان الگو در این قبیل کشورها باشد. علیرغم رشد درآمدهای نفتی پدیده توسعه در این کشورها آشکار نگردید. پس از آن بود که بحث رشد اقتصادی با توجه

به نقش سرمایه انسانی در دستور کار بسیاری از محققان و پژوهشگران قرار گرفت. علیرغم نتایج قابل توجه در این رویکرد، اما هنوز سرمایه انسانی و فیزیکی در توضیح رشد اقتصادی در برخی از کشورها ناتوان به نظر می‌رسد، از آن پس بحث مشکلات اجتماعی که به نوعی زیربنای روابط اقتصادی محسوب می‌گشت، سبب طرح موضوعی گشت که به این سرمایه اجتماعی اطلاق می‌گردد.

این مقاله از یک مقدمه و بخش تشکیل شده است. در بخش اول و دوم به ترتیب به سرمایه انسانی و سرمایه اجتماعی پرداخته می‌شود. در بخش سوم به دانشگاه آزاد اسلامی به عنوان بزرگترین دانشگاه کشور که در اقصا نقاط کشور دارای مرکز است پرداخته می‌شود و با نگاهی به پراکندگی جمعیت دانشجویی آن در استان‌های کشور معرفی می‌گردد و در بخش پایانی نیز به نتیجه‌گیری اختصاص خواهد داشت.

۲) سرمایه انسانی

تا اوایل دهه شصت، مراد از سرمایه بیشتر سرمایه فیزیکی بود. از این پس موجی از نظرات حول محور انسان به عنوان منبع ثروت ایجاد گشت. در این میان تتودور شولتز^۱ و گری بک^۲ نقش حائز اهمیتی داشتند. شولتز (1961) معتقد است کلید توسعه در دست انسان است، نقشی که در گذشته از آن سرمایه بوده است. وی معتقد است که رشد اقتصادی امریکا در سال‌های ۱۹۵۹-۱۹۲۹ مدیون ثروت انسانی است که حاصل سرمایه‌گذاری در امر آموزش و بهبود بهداشت است که بالاخره به افزایش کارایی انسان‌ها منجر شده است. بگر (1964) نیز به تأیید دیدگاه‌های شولتز می‌پردازد و به مقایسه سرمایه انسانی و سرمایه فیزیکی اقدام می‌نماید. وی معتقد است که سرمایه انسانی نقش زیادی در کارایی و بهره‌وری انسان‌ها دارد.

اما سرمایه انسانی چیست؟ (Colman 1988) سرمایه انسانی را توانایی‌ها و دانشی می‌داند که افراد به دست می‌آورند که سبب تغییرات در انجام فعالیت‌ها و رشد اقتصادی گردد. سرمایه انسانی را توانایی‌ها آموزش‌های رسمی و به روز کردن و تازه کردن قابلیت و توانایی افراد در جامعه صورت گیرد.

در این میان - محققان و پژوهشگران به انواع سرمایه انسانی نیز پرداخته‌اند. (فلورین و شولتز، 2000). مهارت‌هایی که از طریق مؤسسات خاص ایجاد می‌گردد از قبیل دانشگاه و مؤسسات آموزشی یک نوع از سرمایه انسانی است. در این خصوص می‌توان به مطالعه سند بزرگ (1986) اشاره کرد.

البته سرمایه انسانی فقط به آموزش‌های رسمی اختصاص نداشته و تجربه و دانش اندوخته شده افراد از طریق کار در مؤسسات صنعتی، بازرگانی و خدماتی از اشکال دیگر سرمایه انسانی است. در ایران نیز بحث سرمایه انسانی موضوع و هدف بسیاری از مطالعات و کتاب‌های دانشگاهی قرار گرفته است.

از نظر متوسلی و آهنچیان (۱۳۸۱) سرمایه انسانی نیرویی است که در فرد فعال می‌شود و توانایی‌های او را برای

1- Teodor Schultz

2-Gary Becker

تولید کالا و خدمات افزایش می‌دهد. عمادزاده (۱۳۸۴) معتقد است که سرمایه انسانی یک مفهوم کاملاً اقتصادی است و در حقیقت خصوصیات کیفی انسان را نوعی سرمایه می‌داند که در پرتو آموزش اتقاء می‌یابد. این سرمایه می‌تواند در آینده توانائی‌ها را افزایش دهد. از نظر وی حقیقت سرمایه انسانی عمدتاً ناشی از سرمایه‌گذاری در آموزش است. این سرمایه مکمل سرمایه فیزیکی در تولید کالا و خدمات می‌باشد.

همان‌طور که در منابع بالا نیز اشاره شده است، آموزش سهم والایی در سهم انسانی دارد. قطعاً این سهم با گذشت زمان افزایش می‌یابد. امروزه در آموزش‌های دانشگاهی سعی گردیده که حوزه‌ها و مشاغل مختلفی که در گذشته بیشتر از طریق تجربی و کارگاهی به دست می‌آورند، دربرگرفته و زمینه‌های گسترش را فراهم نماید. به طور مثال امروزه بسیاری از مشاغل از عرصه‌های صنعتی و هنری در قابل آموزش‌های دو ساله کاردانی ارائه می‌گردد و این مسئله نشان دهنده افزایش سهم آموزش‌های رسمی در بحث سرمایه انسانی است. آموزش از جنبه‌های مختلفی می‌تواند سرمایه انسانی را متأثر از خود سازد. سبحانی (۱۳۷۱) از سه منظر به این مسئله نگریسته است. از نظر وی در مرحله اول این آموزش‌ها در افزایش دستمزد مؤثر است. در مرحله بعد از افزایش دستمزد می‌تواند به افزایش حق انتخاب کار و فراغت کارگران منجر گردد و بالاخره می‌تواند فعالیتهای غیر بازاری نظیر تولید خانگی را افزایش دهد.

یکی از بزرگترین دستاوردهای افزایش سرمایه انسانی، ترغیب افراد به فعالیت‌های اجتماعی است. فرد در حین افزایش سرمایه انسانی خود متوجه نیروی نهفته در جامعه می‌گردد و در حین استقلال فردی متوجه می‌شود که کارایی و بهره‌وری وی در کنار کار جمعی می‌تواند افزایش یابد که به این بحث در بخش چهارم بیشتر می‌پردازیم.

۳ سرمایه اجتماعی

در مقابل دیدگاه اقتصادی که عمل انسانی، درک اشخاص از منابعی که می‌تواند سبب توسعه و ترکیب عوامل محیطی را به وجود آورد، سرمایه اجتماعی برگرفته از یک دیدگاه جامعه‌شناسی عمل انسان و مشاهده افرادی است که در حقیقت بازیگرانی هستند که توسط عوامل اجتماعی شکل گرفته‌اند. امروزه سرمایه اجتماعی بسیار مورد توجه قرار گرفته است و در سطوح مختلف مورد مشاغل اشخاص (بورت، ۱۹۹۲)، سازمان (نهایت و گوشال، ۱۹۹۸) و اجتماع (پنتام، ۱۹۹۳)، سراجلدین و دامسگوپتا (۲۰۰۱)) مورد مطالعه قرار گرفته است.

مسئله مرکزی در ادبیات سرمایه اجتماعی یک شبکه‌ایی از روابط است که ایجاد می‌شود و یا منابع را به سمت افراد و یا جوامع هدایت می‌کند. ابتدا، در سطح اشخاص؛ سرمایه اجتماعی می‌تواند به صورت منابعی که درون روابط افراد با یکدیگر وجود دارد، تعریف شود. در این جا تأکید می‌گردد که در این مورد منافع بالقوه و یا واقعی که یک نفر از شبکه‌اش که با افراد به صورت رسمی یا غیررسمی ایجاد می‌کند فراهم می‌کند. (بورت ۱۹۹۲). دوم، در سطح زمان، سرمایه اجتماعی می‌تواند بدین صورت تعریف گردد که ارزش یک سازمان در برابر روابط رسمی توسط اعضایش به هدف مشغول به کار کردن در یک عمل اجتماعی، سرمایه اجتماعی است. (فیریل، ۲۰۰۰)، (نهایت و گوشال، ۱۹۹۸). آن‌ها نشان دهنده کارایی بخش دولت بر بخش خصوصی در مقابل تنش‌های دیگر باشند.

۴) ارتباط متقابل سرمایه اجتماعی و سرمایه انسانی:

یکی از مشکلات بررسی سرمایه اجتماعی اندازه‌گیری آن است. از آنجایی که این پدیده بیشتر یک حالت رفتاری و اجتماعی است، بیشتر کیفی است تا کمی. اغلب پژوهشگران سرمایه اجتماعی را حس اعتماد و شرکت افراد در انجمن و باشگاه‌های مختلف تعریف نموده‌اند و بر این اساس سعی کرده‌اند به اندازه‌گیری آن بپردازند. در حالی که اغلب برای اندازه‌گیری سرمایه انسانی به هزینه‌های آموزش در سطوح مختلف، هزینه‌های بهداشتی و یا شاخص HDI استفاده می‌کنند در بحث اندازه‌گیری سرمایه اجتماعی مجموعه‌ی زیادی از شاخص‌های اجتماعی، فرهنگی و یا سیاسی در نظر گرفته می‌شود. به طور مثال اینگیلهارت (1999) از حس اعتماد و آسایش اینگیلهارت و بکر (2000) از ارزش و تغییرات فرهنگی، باسائیز (1993) و اینگیلهارت (1997) از تغییرات اقتصادی و سیاسی، دو گان (1994). از حسن وطن‌پرستی و دورینگ (1992) از اهداف آموزشی برای اندازه‌گیری سرمایه اجتماعی استفاده کرده‌اند. داده‌های جمع‌آوری شده در این گونه مطالعات اغلب از طریق نمونه‌گیری و یا استناد به داده‌های مراکز تحقیقاتی و پژوهشی بوده است.

امروزه یکی دیگر از مباحث جدی و مهم ارتباط متقابل سرمایه انسانی و اجتماعی است. برخی معتقدند که افزایش سرمایه اجتماعی سبب می‌گردد که سرمایه انباشت شده در فرد در خدمت افراد دیگر، سازمان و جامعه قرار گیرد. بنابراین رابطه علت و معلولی میان این دو از سرمایه اجتماعی به سرمایه انسانی است. اما به نظر می‌رسد کشورهای در حال توسعه که با مشکلات عدیده و پیچیده اجتماعی و اقتصادی روبرو هستند، سرمایه اجتماعی شکل نمی‌گیرد که سبب توانمند شدن سرمایه انسانی گردد. در این جوامع ممکن است با برانگیخته شدن عامه مردم و یا لایه‌هایی از آن‌ها، نشانه‌هایی از بروز سرمایه اجتماعی رخ دهد، اما به دلیل پرورش نیافتن و آموزش ندیدن انسان‌ها، این پدیده‌ها به ساختارهای جامعه تبدیل نمی‌شوند.

در این جوامع مردم درک صحیحی از روابط متقابل، احترام حقوق شهروندی دیگران و مطالبات حقوق شهروندی خود ندارند.

با سرمایه انسانی و تقویت و رشد آن می‌توان انتظار داشت که افراد می‌توانند به شهروندانی آگاه و متعهد به حقوق خود و دیگران تبدیل شوند. در این فضا است که انسان‌ها متوجه می‌گردند که رشد یک جامعه در گروه تعهد افراد آن جامعه نسبت به مسائل اجتماعی، سیاسی و افزایش مشارکت در آن‌ها است. چگونه امکان دارد انسان‌ها قبل از افزایش سرمایه انسانی خود از طریق آموزش، متوجه نیازهای فوق و نقشی که آن‌ها در سرنوشت خود آن‌ها دارند، برسند.

بنابراین به نظر می‌رسد که عدم سرمایه انسانی منجر به عدم آگاهی و شناخت و بنابراین عدم شکل‌گیری سرمایه اجتماعی می‌شود و این مسئله خود می‌تواند یکی از موانع جدی شکل‌گیری سرمایه انسانی گردد. بنابراین ارتباط را می‌توان به صورت شکل زیر نشان داد. برای شکستن این دور تسلسل و باطل نیاز است که ضمن بسیج نمودن توان جامعه و سرمایه‌گذاری در یکی از آن‌ها، سبب ارتقاء آن شد.



به نظر می‌رسد که این پدیده با افزایش سرمایه انسانی قابل حصول است. سرمایه انسانی به تدریج با افزایش سطح آموزش و گسترش آن، ارتقاء نظام بهداشتی و افزایش بهره‌وری نیروی کار در بنگاه‌های اقتصادی شکل می‌گیرد. اثرات خارجی این پدیده به سرمایه اجتماعی سرازیر می‌گردد و افراد از طریق افزایش آگاهی‌شان از نقش خود و دیگر افراد جامعه متوجه می‌گردند که وصول حقوق شهروندی خود، شامل حقوق مدنی، حقوق سیاسی و حقوق اجتماعی در گروه یک حرکت جمعی است. در این میان نیاز به اعتماد میان افراد جامعه برای شرکت در انجمن‌ها، گروه‌ها، باشگاه‌های مختلف بیشتر می‌گردد و سرمایه اجتماعی تشکیل می‌گردد. بسیاری از تحولات اجتماعی ریشه در تشکیل سرمایه انسانی دارد و حلقه واسطه میان فرآیند تشکیل سرمایه انسانی به سرمایه اجتماعی از طریق چنین تحولاتی است. نیاز اولیه تحولات اجتماعی تغییر نگرش‌ها و تحول فکری است که ماحصل آموزش است. آموزش علاوه بر زمینه‌سازی و ایجاد تخصص به دلیل در برداشتن تفکر علمی پیرامون پدیده‌های مشهود و نامشهود سبب تغییر و ترمیم باورها و نگرش‌های انسان‌ها می‌شود. در این فرآیند انسان‌ها نسبت به باورها حق انتخاب پیدا می‌نمایند و با پذیرش باورهای برتر خود، سازمان و جامعه را به مراحل بالاتر توسعه سوق می‌دهند. این مسئله سبب می‌گردد که انسان‌ها نسبت به نیاز برای یک ارتباط متقابل اجتماعی آگاه‌تر شوند و به نقش اعتماد و اطمینان که رمز بقای ارتباط فوق در یک ساختار گروهی نظیر انجمن، گروه، باشگاه است توجه نمایند. به عبارت دیگر لازمه به وجود آمدن بستری برای ایجاد سرمایه اجتماعی شناخت و آگاهی است که از دستاوردهای سرمایه انسانی است.

۵) تجربه دانشگاه آزاد اسلامی

۵-۱) مروری بر شکل‌گیری

تفکر ایجاد یک دانشگاه غیردولتی، غیرانتفاعی، خارج از چارچوب و بوکراسی نظام اداری و از سویی هماهنگ با انقلاب و نیازهای جامعه ایرانی از آغازین روزهای پیروزی انقلاب اسلامی مطرح گشت. در این میان نقش آیت‌الله هاشمی رفسنجانی که ریاست مجلس را به عهده داشتند و آقای دکتر جاسبی معاونت نخست‌وزیر از پیشگامان ایجاد چنین دانشگاهی بودند. اینان با طرح این موضوع در میان جمعی از همفکران، مسئولان و اقسشار دانشگاهی زمینه‌ساز حرکت اولیه ایجاد این دانشگاه شدند.

برای رسیدن به هدف فوق دو مرحله پیش‌بینی شده بود. مرحله اول بدین صورت تعریف شده بود که این دانشگاه از تمام ظرفیت‌های خالی فضای فیزیکی نظام آموزش کشور، اعم از وزارت علوم و وزارت آموزش و پرورش استفاده گردد و در مرحله بعد به ساخت و راه‌اندازی فضای جدید و متناسب با نیازهای دانشگاه پرداخته شود. این مسئله سبب

گردید که تلاش برای به کارگیری فضای فیزیکی، تأسیسات و آزمایشگاههایی که بدون ظرفیت و یا زیر ظرفیت بودند و به کارگیری جمعی از نیروهای متخصص در کشور، به خصوص در وزارت علوم آغاز گشت. بدین سان زمینه‌های ایجاد یک دانشگاه مستقل از نظام دولتی و جذب صدها تن از متخصصان به عنوان اعضای هیأت علمی دانشگاه فراهم گردید. پس از اعلام تأسیس دانشگاه در سال ۱۳۶۱ از سوی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی و به ریاست آقای دکتر جاسبی، سازمان مرکزی این دانشگاه در تهران تأسیس شد. در ساختار سازمان مرکزی، ریاست دانشگاه در رأس هرم دانشگاه قرار گرفت و معاونت‌های آموزشی، اداری و مالی، عمرانی، امور دانشجویی، امور هماهنگی و امور فرهنگی در زیر مجموعه ریاست عالی دانشگاه طراحی شد. از آن پس سازمان مرکزی در تهران و اقصی نقاط کشور به تأسیس شعبه‌های دانشگاهی اقدام نمود.

۲-۵) وضعیت کنونی دانشگاه آزاد اسلامی

از ابتدای امر پیش‌بینی شده بود که به دلیل گسترش دانشگاه در تمامی استان‌های کشور مناطق مختلفی تعریف گردد که ضمن پوشش جغرافیایی استان‌های کشور از تمرکز دانشگاه در سازمان مرکزی جلوگیری گردد و سازمان مرکزی در حقیقت به امر سیاست‌گذاری و نظارت بپردازد و امروزه دانشگاه دارای یازده منطقه می‌باشد. در جدول (۱) مناطق یازده‌گانه دانشگاه و استان‌های زیر پوشش آن‌ها نشان داده شده است.

جدول شماره (۱) مناطق یازده‌گانه دانشگاه

فارس، بوشهر، کهگیلویه و بویراحمد	
آذربایجان غربی، آذربایجان شرقی، اردبیل و زنجان	
گیلان، مازندران	
یزد، اصفهان، چهارمحال و بختیاری	
اراک، همدان و لرستان	
خوزستان	
سیستان و بلوچستان، هرمزگان و کرمان	
تهران، قزوین و قم	
خراسان (شمالی، مرکزی، جنوبی)	
سمنان و گلستان	
کرمانشاه، کردستان و ایلام	

در ابتدا شعب دانشگاه در شهرستان‌های مختلف واحد نامیده شد. در برخی از موارد به دلیل اهمیت موضوع در یک منطقه چند واحد تأسیس گردید. این مسئله در خصوص تهران از ویژگی خاصی برخوردار است. در تهران واحدهای تهران مرکزی، تهران جنوب و تهران شمال تشکیل گردید. واحدهای دانشگاه در مراکز مختلف کشور به مرور تشکیل گردید و به مرور نیز امتیازاتی در خصوص مسائل اداری، مالی، جذب نیرو و آموزشی به آنها واگذار گردید. این درحالی

است که استخدام و جذب هیأت علمی به صورت متمرکز در سازمان مرکزی و زیر نظر اداره کل جذب هیأت علمی صورت گرفت.

امروز اغلب شعب تازه تأسیس به دلیل مشکلات خاص سالهای آغازین شروع به فعالیت، تحت عنوان "مرکز" و در حقیقت زیر نظر یک "واحد" دانشگاهی فعالیت خود را آغاز می نمایند و پس از آنکه شعبه موردنظر به حداقل هایی که از سوی سازمان مرکزی دانشگاه اعلام می گردد، دست یافت، آنگاه می تواند به صورت یک واحد مستقل به فعالیت خود ادامه دهد.

بر اساس آمار منتشره از سوی مرکز آزمون و مرکز آمار و انفورماتیک دانشگاه، دانشگاه آزاد اسلامی در پایان سال ۱۳۸۴ با ۲۷۷ مرکز و واحد دانشگاهی در سراسر کشور دارای حدود یک میلیون و دویست هزار دانشجو است. در جدول (۲) رتبه بندی استانهای کشور از نظر جمعیت دانشجویی و تعداد مراکز و واحدهای تحت پوشش و در جدول (۳) تعداد دانشجویان این دانشگاه طی سالهای ۱۳۸۰-۱۳۸۴ و نرخ رشد آنها نشان داده شده است.

این دانشگاه از لحاظ کمی و از نظر جمعیت دانشجویی طی دوره موردنظر از ۶/۵ تا ۱۲ درصد به صورت سالیانه رشد داشته است. به عبارت دیگر متوسط رشد جمعیت دانشجویی دانشگاه آزاد اسلامی طی دوره مورد نظر ۹/۲ درصد بوده است.

۲-۵) پراکندگی شعب دانشگاه آزاد اسلامی

یکی از تحلیل های مهم و قابل استفاده برای برنامه ریزی آموزشی در سطوح سازمان مرکزی دانشگاه آزاد اسلامی توجه به پراکندگی شعب و مراکز در قالب استان ها و توزیع جمعیت در میان آنهاست. در جدول ضمیمه (۱) تعداد دانشجویان هر استان طی سالهای ۱۳۸۰-۱۳۸۴، جدول ضمیمه (۲) میانگین تعداد دانشجویان در هر واحد و مرکز

() :

رتبه از نظر تعداد مراکز و واحدها	رتبه از نظر جمعیت دانشجویی	استان ها
-		تهران
		فارس
		خراسان
-		خوزستان
-		اصفهان
		آذربایجان شرقی
-		مازندران
		مرکزی
		گیلان

		کرمان
-		لرستان
-		سمنان
		یزد
-		قزوین
		آذربایجان غربی
-		زنجان
-		همدان
-		اردبیل
		گلستان
-		سیستان و بلوچستان
		کهگیلویه و بویراحمد
-		کرمانشاه
-		بوشهر
-		هرمزگان
-		چهارمحال و بختیاری
		قم
-		کردستان
		ایلام

() تعداد دانشجویان طی سالهای ۸۴-۱۳۸۰

سال	تعداد دانشجو	نرخ رشد

		%
		% /
		%
		% /

مرکز و واحد، میانگین تعداد دانشجویان در هر مرکز و واحد پس از حذف مرکز استان و بالاخره جدول ضمیمه (۳) ضریب تغییرات بدون در نظر گرفتن مرکز استان نشان داده شده است. حال به بررسی وضعیت استانهای کشور می پردازیم.

۱-۳-۵) استان آذربایجان شرقی

در استان آذربایجان شرقی با ۲۴ مرکز و واحد دانشگاه آزاد اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز، با حدود ۲۳ هزار دانشجو بزرگترین واحد و مرکز آموزش اسکو با ۴۹ دانشجو کوچکترین شعب دانشگاهی محسوب می گردد. به غیر از واحد تبریز ۲۲ واحد و مرکز دیگر در این استان مشغول به فعالیت هستند. میانگین کل استان و میانگین استان بدون در نظر گرفتن مرکز تبریز طی سالهای ۸۴-۸۰ روند افزایشی را داشته است. ملاحظه حکایت از آن دارد که روند توزیع دانشجو طی سالهای ۸۴-۸۰ روندی پراکنده تر را نشان می دهد. روند گسترش دانشگاه طی این دوره شامل واحدها و مراکز کوچکتر و تازه تأسیس می باشد. به نظر می رسد که توزیع دانشجو در استان آذربایجان شرقی روند تمرکززدایی داشته است.

۲-۳-۵) استان آذربایجان غربی

این استان به مرکزیت شهرستان ارومیه دارای ۱۳ واحد و مرکز دانشگاهی است. کل استان دارای ۲۶۸۲۵ دانشجو در سال ۸۴ است. در این استان شهرستان مهاباد با ۶۸۴۵ دانشجو بزرگترین و آموزشگاه سما مرکز مرند با ۵۵ دانشجو کوچکترین واحد تابعه می باشد. در این استان واحدهای ارومیه و مهاباد تقریباً دارای یک سایز دانشجویی هستند. با توجه به میانگین تعداد دانشجو در واحدها و مراکز استان (میانگین N) و میانگین تعداد دانشجو در واحدها و مراکز استان بدون در نظر گرفتن مرکز استان (میانگین TN) ملاحظه میگردد که روندی افزایشی داشته است. ضریب تغییرات ابتدا در سال ۱۳۸۲ افزایش و سپس طی سالهای ۱۳۸۳ و ۱۳۸۴ روندی کاهشی را نشان می دهد. بنابراین نشان می دهد که روند افزایش و گسترش واحدهای تابعه استان از یک روند منسجمی برخوردار نبوده است.

۳-۳-۵) استان اردبیل

استان اردبیل با مرکزیت شهرستان اردبیل دارای ۲ واحد اردبیل و خلخال و سه مرکز (۲ مرکز وابسته به اردبیل و ۱ مرکز وابسته به خلخال)، جمعاً دارای ۵ واحد و مرکز است. واحد اردبیل با ۱۳۳۷۲ دانشجو بزرگترین و آموزشگاه سما وابسته به واحد خلخال با ۳۸۹ دانشجو کوچکترین است. مجموع دانشجویان این استان در سال ۱۳۸۴، حدود بیست هزار دانشجو است که حکایت از سهم و اندازه مرکزیت استان در آن چشمگیر است. روند افزایشی افزایشی میانگین نیز حکایت از تمرکز تعداد دانشجو در مرکزیت استان دارد. اختلاف فاحش میانگین (N) و میانگین (TN) نیز به نحو روشنی این مسئله را گوشزد می کند. ضریب تغییرات در استان اردبیل بدون در نظر گرفتن شهرستان اردبیل نشان داده شده است. نتایج نشاندهنده بالا بودن سطح ضریب تغییرات در حدود ۱/۷۵ در سال ۱۳۸۰ به حدود ۰/۸ در سال ۱۳۸۴ است. علیرغم بالا بودن سطح ضریب تغییرات طی دوره ۱۳۸۴-۱۳۸۰ روند مورد نظر نشاندهنده توزیع جمعیت

دانشجویی به سمت وضعیت مطلوب است.

۴-۳-۵) استان اصفهان

استان اصفهان با دارا بودن ۲۱ واحد و مرکز و تعداد ۸۵۴۴۳ نفر دانشجو از استانهای بزرگ کشور از لحاظ جمعیت دانشجویی است. شهرستان اصفهان خود دارای مرکز خاص نبوده، بلکه عملاً مرکزیت استان با واحد خوراسگان می باشد که در حاشیه اصفهان قرار گرفته است. بر اساس آمار دانشجویی سال ۱۳۸۴، نجف آباد با ۲۱۶۱۹ دانشجو بزرگترین واحد استان و مرکز آموزش لنجان وابسته به واحد نجف آباد با ۱۷۰ دانشجو کوچکترین شعبه دانشگاه آزاد در استان می باشد.

از آنجائی که بزرگترین واحد استان نه خوراسگان بلکه نجف آباد است، اختلاف چندانی میان میانگین هر دو میانگین تعریف شده وجود ندارد و تقریباً حدود پانصد دانشجو است. روند رو به رشد نشاندهنده افزایش جمعیت دانشجویی است و میانگین استان با وجود افتتاح مرکز آموزشی جدید نظیر آموزشکده فنی و حرفه ای سما، مرکز آموزش گلپایگان، مرکز آموزش دولت آباد، مرکز آموزش زواره، مرکز آموزش زرنند که همگی وابسته به واحد خوراسگان هستند و در سال ۱۳۸۳ افتتاح شده اند و همچنین مراکز آموزشکده فنی و حرفه ای سما، مرکز آموزش فریدن و مرکز آموزش لنجان که وابسته به واحد نجف آباد و در سال ۱۳۸۳ افتتاح شده اند، با اینحال میانگین دانشجویان استان اصفهان افزایش قابل توجه داشته است. این تعداد از حدود ۲۸۰۰ دانشجو در سال ۸۰ به ۴۲۰۰ دانشجو در سال ۸۴ رسیده است. همچنین بدون در نظر گرفتن واحد خوراسگان این میانگین از ۲۵۰۰ دانشجو در سال ۱۳۸۰ به ۳۷۰۰ دانشجو در سال ۱۳۸۴ رسیده است.

با نگاهی به ضریب تغییرات استان اصفهان (بدون در نظر گرفتن واحد خوراسگان به عنوان مرکز استان نشان داده شده است) و علیرغم مراکز جدید التاسیس فوق الذکر ضریب تغییرات در استان طی سالهای ۱۳۸۴-۱۳۸۰ روند کاهشی را دنبال کرده است که به نظر می رسد این مسئله پیامد توزیع مناسب تر است.

۵-۳-۵) استان ایلام

استان ایلام دارای یک واحد دانشگاهی در ایلام و مرکز آموزش دره شهر وابسته به واحد ایلام می باشد که در سال ۱۳۸۳ افتتاح گردیده است. کل استان دارای ۶۸۲۱ دانشجو است که ۶۲۸۶ یعنی حدود ۹۲ درصد جمعیت دانشجویی استان متعلق به واحد ایلام می باشد. به دلیل تعداد اندک و نوپایی حضور دانشگاه در این استان به تحلیل آماری آن نمی پردازیم.

۶-۳-۵) استان بوشهر

استان بوشهر به مرکزیت واحد بوشهر دارای ۱۴۵۱۸ دانشجو در سال ۱۳۸۴ است. که سهم واحد بوشهر از تعداد یاد شده ۱۱۱۴۵ دانشجو می باشد. به عبارت دیگر حدود ۷۷ درصد دانشجویان استان متعلق به واحد بوشهر هستند. عملاً دیگر واحد استان، واحد خارک می باشد که به دلیل مشکلات متعدد این مرکز با عدم گسترش روبروست. در سال

۱۳۸۲ سه مرکز بندر دیلم، دشتستان و خورموج وابسته به بوشهر افتتاح گردیده اند. در اینجا نیز همانند استان ایلام از آنجائیکه فعالیت دانشگاه آزاد اسلامی در استان بوشهر تقریباً در واحد بوشهر خلاصه شده است از تحلیل آماری آن خودداری می‌کنیم.

۵-۳-۷) استان تهران

استان تهران به مرکزیت شهر تهران دارای بیشترین جمعیت دانشجویی در میان سایر استانهای کشور است. شهر تهران خود دارای سه واحد بزرگ کشور یعنی واحد تهران مرکزی با ۴۰۸۰۴ دانشجو، واحد تهران جنوب با ۲۹۵۴۷ دانشجو و تهران شمال با ۲۱۸۱۴ دانشجو از بزرگترین واحدهای دانشگاه آزاد در سطح کشور هستند. ابتدا در تهران واحدهای دیگر نظیر تهران پزشکی، تهران سما، تهران علوم و تحقیقات و داروسازی نیز وجود دارد. مجموع استان دارای حدود ۲۴۰ هزار دانشجو است که عملاً ۲۰ درصد جمعیت کل دانشجویی دانشگاه آزاد اسلامی به این استان اختصاص دارد. میانگین تعداد دانشجو در مراکز و واحدهای تابعه استان تهران از یک روند خاصی تبعیت نکرده است و به نظر می‌رسد که برنامه خاصی برای سامان دهی در استان یاد شده در دست نیست. این مسئله در مورد میانگین استان تهران بدون در نظر گرفتن واحدها و مراکز شهر تهران نیز صادق است.

در خصوص ضریب تغییرات در واحدها و مراکز استان تهران - بدون در نظر گرفتن شهر تهران - باید اذعان نمود که علیرغم آنکه ضریب یاد شده در طی سالهای مورد بررسی بالا می‌باشد، اما روند کاهشی آن نشاندهنده توزیع بهتر دانشجو در واحدها و مراکز تابعه استان تهران، بدون در نظر گرفتن شهر تهران است. اما به هر حال بالا بودن آن از ۱/۷۰ در سال ۱۳۸۰ تا ۰/۹۳ در سال ۱۳۸۴ نشاندهنده توزیع نامناسب است، اما روند یاد شده تا حدودی تعدیل شده است.

۵-۳-۸) استان چهارمحال و بختیاری

استان چهارمحال و بختیاری با مرکزیت واحد شهرکرد دارای ۱۱۶۰۳ دانشجو است. دانشگاه آزاد اسلامی در این استان دارای ۲ واحد مستقل به نام شهرکرد و بروجن و آموزشگاه سما و مرکز فارسان وابسته به واحد شهرکرد است. واحد شهرکرد به عنوان مرکز استان دارای ۹۶۷۴ دانشجو است که عملاً ۸۳ درصد جمعیت دانشجویی را به خود اختصاص داده است. از آنجائیکه تعداد واحدها و مراکز در استان اندک بوده و مراکز یاد شده نیز در سال ۱۳۸۳ افتتاح شده اند از تحلیل آماری این استان صرفنظر می‌گردد.

۵-۳-۹) استان خراسان

در این گزارش استانهای خراسان مرکزی، شمالی و جنوبی در قالب یک استان خراسان به صورت سابق مورد بررسی قرار می‌گیرد. این استان که از نظر مساحت بزرگترین استان کشور محسوب می‌گردد دارای ۲۷ واحد و مرکز دانشگاهی وابسته به دانشگاه آزاد اسلامی است. دانشگاه آزاد اسلامی در این استان حدود ۸۷ هزار دانشجو دارد. واحد مشهد که مرکز استان محسوب می‌گردد و بزرگترین واحد از لحاظ جمعیت دانشجویی با ۲۴۶۵۴ دانشجو می‌باشد. ۱۱ مرکز در استان جدیدالتأسیس بوده و در سال ۱۳۸۳ افتتاح گردیده اند.

میانگین تعداد دانشجویان هر مرکز و واحد تابعه دانشگاهی در خراسان نشان داده شده است. علیرغم افتتاح ۱۱ مرکز دانشگاهی فقط در سال ۱۳۸۳ همانطور که مشاهده می گردد میانگین استان روندی افزایشی را در دوره مورد بررسی داشته است که نشاندهنده افزایش ظرفیت شدید دانشجویی طی دوره مورد بررسی است. ضریب تغییرات در واحدها و مراکز استان بدون در نظر گرفتن و یا خارج کردن شهر مشهد طی دوره مورد نظر بسیار بالا است. بطوریکه در تمامی سالها میزان آن بیش از یک است. روند مورد نظر از سال ۱۳۸۰ تا سال ۱۳۸۴ روندی کاهشی داشته است، اما این روند شدت نداشته است بطوریکه ضریب تغییرات از ۱/۴ به ۱/۱۷ تعدیل شده است که نشاندهنده میزان بالای سطح نابرابر جمعیت دانشجویی در استان و در میان واحدها و واحدهای تابعه است.

۱۰-۳-۵) استان خوزستان

استان خوزستان با جمعیت دانشجویی ۸۵۵۱۴ نفر چهارمین استان از نظر جمعیت دانشجویی است. واحد اهواز به عنوان مرکز استان با حدود ۱۵ هزار دانشجو بزرگترین واحد دانشگاهی در استان است که فقط ۱۷ درصد جمعیت دانشجویی استان را به خود اختصاص داده است.

از آنجائی که واحد اهواز فقط ۱۷ درصد جمعیت دانشجویی استان را تشکیل می دهد، اختلاف میانگین جمعیت دانشجویی در هر واحد و مرکز طی سالهای بررسی (N) که همین میانگین بدون در نظر گرفتن (TN) کم بوده و در سالهای مورد نظر به زیر ۵۰۰ دانشجو می رسد. این در حالی است که از ۱۶ واحد و مرکز تابعه در استان، آموزشگاه سما مسجد سلیمان، مرکز سوسنگرد، آموزشگاه سما دزفول، مرکز اندیمشک و آموزشگاه سما اهواز جدید التاسیس هستند و این نشاندهنده رشد شدید جمعیت دانشجویی در استان خوزستان است. بطوریکه جمعیت دانشجویی از ۴۳۵۳۴ دانشجو در سال ۱۳۸۰ به ۸۵۵۱۴ دانشجو در سال ۱۳۸۴ رسیده است. به عبارت دیگر جمعیت دانشجویی دانشگاه آزاد اسلامی در دوره مورد نظر ۲ برابر شده است.

ضریب تغییرات در استان خوزستان پس از حذف واحد اهواز نشان دهنده آن است که واحدها و مراکز تابعه هیچ الگوی منسجمی را در توزیع جمعیت دانشجویی دنبال نکرده اند. آنچه فقط قابل رویت است آن است که توزیع جمعیت در سالهای ۱۳۸۳ و ۱۳۸۴ نسبت به ۱۳۸۲ روندی قابل قبول داشته است.

۱۱-۳-۵) استان زنجان

استان زنجان با ۲ واحد دانشگاهی ابهر و زنجان و چهار مرکز و آموزشگاه که به زنجان و ابهر وابسته هستند و همگی در سال ۱۳۸۳ تأسیس شده اند با جمعیت دانشجویی ۲۲۶۱۵، رتبه ۱۶ را در میان استانها به خود اختصاص داده است. واحد زنجان با حدود یازده هزار دانشجو عملاً ۵۰ درصد جمعیت دانشجویی و واحد ابهر با ۹۵۹۶ دانشجو نیز ۴۲ درصد جمعیت دانشجویی استان را به خود اختصاص داده اند. به عبارت دیگر ۴ شعبه دیگر دانشگاه آزاد در این استان فقط ۸ درصد جمعیت دانشجویی را دارا هستند. با توجه به ساختار مورد نظر از بررسی و تحلیل آماری استان یاد شده صرف نظر می نمایم.

۱۳-۳-۵) استان سیستان و بلوچستان

این استان با جمعیت دانشجویی ۱۶۷۲۱ دانشجوی رتبه بیستم را به خود اختصاص داده است. واحد زاهدان با ۱۰۸۴۹ دانشجو در مرکز استان حدود ۶۵ درصد جمعیت دانشجویی را به خود اختصاص داده است. در این استان ۶ واحد و مرکز به فعالیت مشغول هستند که ۲ مرکز در سال ۱۳۸۳ و دو مرکز نیز در سال ۱۳۸۲ افتتاح شده اند. با توجه به اندک بودن جمعیت دانشجویی استان و جدید بودن ۴ مرکز از ۷ مرکز موجود از تحلیل آماری خودداری می نمائیم.

۱۴-۳-۵) استان فارس

استان فارس از بزرگترین استانهای کشور به لحاظ جمعیت دانشجویی در دانشگاه آزاد اسلامی محسوب می گردد. این استان از لحاظ تعداد دانشجو پس از تهران دومین استان بزرگ کشور محسوب می گردد و به لحاظ تعداد واحد و مرکز تابعه با ۲۹ شعبه رتبه نخست کشور را از آن خود کرده است. مجموع تعداد دانشجویان استان ۹۱۰۱۳ دانشجو است که واحد شیراز با ۱۶۲۴۲ دانشجو به عنوان مرکز استان بزرگترین واحد در استان محسوب می گردد. این واحد حدود ۱۸ درصد از جمعیت کل استان را داراست. میانگین تعداد دانشجو در هر مرکز و واحد در هر دو حالت با در نظر داشتن مرکز شیراز و بدون در نظر گرفتن مرکز شیراز تقریباً روند صعودی داشته است. ضریب تغییرات مورد نظر بدون در نظر گرفتن واحد شیراز علیرغم بالا بودن آن در اول دوره در سال ۱۳۸۴ به نصف تقلیل یافته است که نشاندهنده آن است که توزیع طی این دوره بهبود بیشتری یافته است.

۱۵-۳-۵) استان قزوین

استان قزوین با جمعیت دانشجویی حدود ۲۹ هزار نفر دارای ۲ واحد قزوین و تاکستان و ۲ مرکز سما وابسته به تاکستان و بوئین زهرا وابسته به قزوین است و هر دو مرکز در سال ۱۳۸۳ افتتاح شده اند. مرکز قزوین با حدود ۱۸ هزار دانشجو و تاکستان با حدود ۱۰ هزار دانشجو به ترتیب ۶۲ درصد و ۳۳ درصد و جمعاً حدود ۹۵ درصد جمعیت دانشجویی استان را به خود اختصاص داده اند و بنابراین در این شرایط یکسویه توزیع به تحلیل میانگین و ضریب تغییرات آنها نمی پردازیم.

۱۶-۳-۵) استان قم

در استان قم فقط یک واحد که آن نیز واحد قم است وجود دارد. این واحد در حدود ۱۰ هزار دانشجو دارد.

۱۷-۳-۵) استان کردستان

این استان در سال ۱۳۸۴ حدود ۱۰ هزار دانشجو دارد که از این نظر رتبه ماقبلی از آخر را در میان استانهای کشور داراست. این استان دارای ۱ واحد سنندج و ۳ مرکز بیجار، سقز و قروه است که دو مرکز آخر نیز در سال ۱۳۸۳ افتتاح شده اند. مرکز استان با ۸۷۲۲ عملاً ۹۳ درصد از جمعیت دانشجویی ۹۴۰۸ نفری استان را به خود اختصاص داده است.

۱۸-۳-۵) استان کرمان

این استان با ۱۴ مرکز و واحد دارای ۳۷۵۳۱ دانشجوی دانشگاه آزاد اسلامی است. واحد کرمان با ۱۴۴۳۳ دانشجو مرکز استان و بزرگترین واحد دانشگاهی دانشگاه آزاد اسلامی در استان است که حدود ۳۹ درصد جمعیت دانشجویی استان را به خود اختصاص داده است. بقیه واحدها و مراکز تابعه دارای جمعیت دانشجویی چشم گیری نیستند بطوریکه پس از کرمان واحد جیرفت با ۵۳۷۳ دانشجو بزرگترین واحد محسوب می گردد.

میانگین تعداد دانشجو را با وجود مرکز استان (N) و بدون در نظر گرفتن مرکز استان (TN) در هر دو حالت حکایت از پایین بودن میانگین جمعیت دانشجویی در استان است. به نظر می رسد در خصوص استان کرمان تجدیدنظر اساسی در خصوص جمعیت دانشجویی و یا تعدیل تعداد واحدهای مربوطه باید صورت گیرد. اختلاف قابل توجه دو میانگین در سالهای مورد بررسی نشاندهنده بالا بودن سهم مرکز استان در تعداد دانشجو است. از سوی دیگر ضریب تغییرات بدون در نظر گرفتن مرکز استان حکایت از توزیع بسیار پراکنده در دیگر واحدهای استان است.

۱۹-۳-۵) استان کرمانشاه

جمعیت دانشجویی این استان ۱۴۵۹۰ هزار نفر است که تعداد ۱۳۲۵۸ دانشجوی آن متعلق به واحد کرمانشاه است. به عبارت دیگر حدود ۹۱ درصد جمعیت دانشجویی استان متعلق به واحد کرمانشاه است. این استان علاوه بر واحد کرمانشاه دارای سه مرکز وابسته به واحد کرمانشاه است که عبارتند از مرکز کنگاور، مرکز صحنه و مرکز اسلام آباد غرب که کلاً ۹ درصد جمعیت دانشجویی را دارا هستند. هر سه مرکز در سال ۱۳۸۳ افتتاح شده اند و توزیع دانشجو در استان به صورتی است که نیاز به تحلیل آماری ندارد.

۲۰-۳-۵) استان کهگیلویه و بویراحمد

این استان با جمعیت دانشجویی حدود ۱۵ هزار نفر دارای ۲ واحد گچساران و یاسوج و مرکز دهدشت که وابسته به واحد گچساران است. واحد یاسوج مرکز استان با حدود ۶ هزار دانشجو و واحد گچساران با ۷۶۹۰ دانشجو عملاً بیش از ۹۰ درصد جمعیت دانشجویی استان را تشکیل می دهند. تعداد اندک شعب دانشگاهی عملاً تحلیل آماری فوق را منتفی می نماید.

۲۱-۳-۵) استان گلستان

استان گلستان با ۸ واحد و مرکز دانشگاهی دارای ۲۰۶۱۵ دانشجو است. در این استان سه واحد دانشگاهی و پنج مرکز دانشگاهی وابسته به واحدهای مربوطه وجود دارد. واحد گرگان در مرکزیت استان دارای حدود ۷ هزار دانشجو است.

میانگین واحدها و مرکز بدون در نظر گرفتن مرکزیت استان طی سالهای مربوطه رشد قابل توجه داشته و از حدود ۸۰۰ دانشجو در سال ۱۳۸۰ به ۱۹۰۰ دانشجو در سال ۱۳۸۴ رسیده است. روند میانگین دانشجو با در نظر گرفتن مرکز گرگان نیز دارای چنین روند قابل توجه است. بطوریکه میانگین یاد شده از ۱۳۰۰ دانشجو در سال ۱۳۸۰ به حدود ۲۶۰۰

دانشجو رسیده است. به عبارت دیگر در دو حالت اخیر به حدود دو برابر رسیده است که حکایت از آن دارد که روند افزایش دانشجو دارای برنامه از پیش تعیین شده است.

ضریب تغییرات بدون واحد گرگان نشاندهنده توزیع یکسویه در واحدها و مراکز دانشگاهی در استان است. این ضریب طی دوره مورد نظر کاهش یافته اما هنوز به میزان قابل توجه ای بالا می باشد.

۲۲-۳-۵) استان گیلان

استان گیلان با ۱۱ واحد و مرکز دانشگاهی دانشگاه آزاد اسلامی دارای ۳۷۶۵۹ نفر جمعیت دانشجویی است. واحد رشت در مرکزیت استان دارای حدود ۱۵ هزار دانشجو است که بزرگترین شعبه دانشگاهی در استان را تشکیل می دهد. لاهیجان نیز با جمعیت حدود ۱۰ هزار نفر از دیگر واحدهای پرجمعیت استان محسوب می گردد.

علیرغم افزایش هر دو میانگین موردنظر، اختلاف فاحش دو میانگین حکایت از رشد قابل توجه واحد رشت در مقابل دیگر شعب دانشگاهی در سالهای ۱۳۸۴-۱۳۸۰ است.

بالا بودن ضریب تغییرات علیرغم کاهش قابل توجه در سالهای مورد بررسی حکایت از توزیع نامناسب دانشجو در میان واحدها و مراکز استان گیلان حتی بدون در نظر گرفتن واحد رشت است.

۲۳-۳-۵) استان لرستان

این استان با هفت مرکز و واحد دانشگاهی دارای ۳۲۵۶۴ دانشجو است. واحد خرم آباد به عنوان مرکز استان دارای ۱۴۲۷۲ دانشجو است. پس از خرم آباد، واحد بروجرد با ۱۲۴۴۲ دانشجو بزرگترین شعبه دانشگاهی در استان محسوب می گردد. این استان دارای سه مرکز سما، دلفان و کوهدشت است که در سال ۱۳۸۳ تأسیس شده اند.

میانگین جمعیت دانشجویی در واحدها طی دوره مورد نظر افزایش چشمگیر داشته است. میانگین واحدها و مراکزها در هر دو حالت ۳ برابر شده است. به عبارت دیگر میانگین با در نظر گرفتن واحد خرم آباد از حدود ۱۵۰۰ نفر در سال ۱۳۸۰ به ۴۵۰۰ نفر در سال ۱۳۸۴ رسیده است و میانگین بدون در نظر گرفتن واحد خرم آباد از حدود ۱۰۰۰ نفر به ۳۰۰۰ نفر رسیده است. در سالهای ۱۳۸۳ و ۱۳۸۴ دو میانگین اختلاف چشمگیر داشته که حکایت از رشد سریعتر واحد خرم آباد به عنوان مرکزیت استان داشته است.

ضریب تغییرات همانند اغلب استانها رشد کاهشی داشته اما از سطح بسیار بالایی برخوردار است که حکایت از توزیع یک سویه دیگر واحدها و مراکز دانشگاهی استان دارد.

۲۴-۳-۵) استان مازندران

استان مازندران دارای ۱۶ واحد و مرکز دانشگاهی دانشگاه آزاد اسلامی با جمعیت دانشجویی حدود ۶۲ هزار نفر است. علیرغم مرکزیت ساری با ۷۷۵۰ دانشجو، مرکز قائم شهر با جمعیت ۱۴۷۰۰ نفر (تقریباً دو برابر ساری) بزرگترین مرکز دانشگاهی در استان مازندران محسوب می گردد.

از سوی دیگر مرکز نوشهر و چالوس با ۹۷۰۰ دانشجوی نیز از مرکز ساری بزرگتر و مرکز بابل نیز تقریباً هم اندازه مرکز ساری از لحاظ جمعیت دانشجویی است. این مسئله سبب گردیده که اختلاف قابل توجهی میان میانگین به دو صورت یاد شده در بخشهای قبل وجود نداشته باشد. در طی سالهای مورد مطالعه اختلاف دو میانگین هیچگاه از مرکز ۴۰۰ دانشجوی فراتر نرفته است. روند میانگین در هر دو حالت نیز نشاندهنده رشد مثبت بوده است. ضریب تغییرات طی سالهای مورد بحث روند کاهشی قابل توجهی داشته است. بطوریکه این ضریب در سال ۱۳۸۰ به حدود ۱/۳ رسیده بود، در سال ۱۳۸۴ به زیر ۰/۸ می رسد و این نشاندهنده توزیع مطلوب دانشجوی در میان مرکز و واحدهای تابعه است.

۲۵-۳-۵) استان مرکزی

استان مرکزی به مرکزیت واحد اراک از استانهای بزرگ از نظر جمعیت دانشجویی در کشور است. این استان با ۱۲ واحد و مرکز دانشگاهی دارای حدود ۶۲ هزار دانشجو است. واحد اراک به عنوان مرکزیت استان دارای حدود ۲۱ هزار دانشجو است که از جمله واحدهای بزرگ در کشور می باشد. پس از آن مرکز ساوه با حدود ۱۱ هزار دانشجو بیشترین دانشجو را دارا می باشد. میانگین تعداد دانشجو در هر واحد و مرکز در حالت با در نظر گرفتن مرکزیت استان به غیر از سال ۱۳۸۱ روند صعودی طی دوره را نشان میدهد. این مسئله در حالت دوم نیز نمود دارد. این پدیده به علت افتتاح ۳ مرکز طی سال یاد شده و عدم رشد تعداد دانشجو نسبت به سالهای گذشته بوده است. ضریب تغییرات در واحدها و مراکز استان بدون در نظر گرفتن مرکزیت تقریباً یک روندی کاهشی را داشته است. این کاهش در سالهای ۱۳۸۳ و ۱۳۸۴ بسیار چشمگیر است و حکایت از آن دارد که توزیع جمعیت دانشجویی در استان در سالهای یاد شده مطلوبتر شده است و این مسئله حکایت از رشد سریعتر واحدهای کوچک تر نسبت به واحدهای بزرگتر است.

۲۶-۳-۵) استان هرمزگان

این استان از دو واحد و پنج مرکز وابسته به واحد بندعباس به عنوان مرکزیت استان، تشکیل شده است. جمعیت کل دانشجویی استان به حدود ۱۳ هزار نفر می رسد که حدود ۸ هزار نفر از آن متعلق به واحد بندرعباس است. به عبارت دیگر ۶۲ درصد جمعیت دانشجویی در مرکز استان استقرار یافته است و ۵ مرکز وابسته به واحد بندرعباس نیز در سال ۱۳۸۳ افتتاح شده است. بنابراین به نظر می رسد شکل توزیع دانشجو در استان نیاز به تحلیل میانگین و ضریب تغییرات ندارد.

۲۷-۳-۵) استان همدان

استان همدان با چهار مرکز و واحد دارای حدود ۲۲ هزار دانشجو است. این استان از ۳ واحد تویسرکان، ملایر و همدان و یک مرکز سما وابسته به واحد همدان تشکیل شده است که این مرکز نیز در سال ۱۳۸۳ افتتاح شده است. واحد همدان به عنوان مرکز استان با ۱۳۱۹۸ دانشجو بزرگترین واحد دانشگاهی است که حدود ۶۱ درصد جمعیت دانشجویی را به خود اختصاص داده است. پس از آن ملایر با حدود ۵ هزار دانشجو و تویسرکان با حدود ۳ هزار دانشجو رتبه های

بعدی را به خود اختصاص داده اند. بطوریکه میانگین تعداد دانشجویان واحدها و مراکز تابعه استان همدان از حدود ۳۳۰۰ نفر در سال ۱۳۸۰ به ۵۴۰۰ نفر در سال ۱۳۸۴ با در نظر گرفتن مرکز همدان رسیده است. با حذف مرکز همدان این میانگین به شدت افت می کند بطوریکه در سال ۱۳۸۰ برابر ۱۴۰۰ دانشجو و در سال ۱۳۸۴ به حدود ۲۸۰۰ دانشجو می رسد و این مسئله نیز حکایت از سهم قابل توجه مرکز همدان در تعداد دانشجو در کل استان است. ضریب تغییرات در استان همدان را نشان می دهد که طی سالهای ۸۲-۱۳۸۰ نشان میدهد که این ضریب به شدت افزایش یافته و در سالهای بعدی کاهش می یابد بطوریکه این ضریب در سال ۱۳۸۴ به زیر ۰/۷ می رسد که در کل کشور می توان آن را بهترین استان از جهت توزیع دانشجو قلمداد کرد.

۲۸-۳-۵) استان یزد

این استان با مرکزیت واحد یزد دارای ۹ واحد و مرکز و حدود ۳۰ هزار دانشجو است. واحد یزد به عنوان مرکز استان دارای حدود ۱۴ هزار دانشجو است که عملاً حدود ۴۷ درصد از جمعیت دانشجویی را به خود اختصاص داده است. پس از یزد واحد میناب با ۷۳۰۰ دانشجو دومین واحد دانشگاهی در استان است که با مقایسه این دو متوجه رشد واحد یزد نسبت به دیگر واحدها و مراکز استان می شویم.

۶) خلاصه و نتیجه گیری:

امروزه دانشگاه آزاد اسلامی با حدود یک میلیون و دویست هزار دانشجو در سراسر کشور به تعداد دانشجویان وزارت علوم و تحقیقات و وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی دارای دانشجو است. وجود واحدها و مراکز این دانشگاه در سراسر کشور سبب گردیده که دسترسی به آموزش عالی برای خیل جوانان علاقمند به تحصیل حتی در مناطق غیر برخوردار و محروم کشور آسان گردیده است.

نتایج پراکندگی دانشجویان در استانها تقریباً نشان دهنده چند نکته است. سهم مراکز استان در تعداد دانشجویان استان بالا می باشد و توزیع دانشجویان در دیگر واحدها و مراکز استان نیز توزیع نامناسبی است، ما روند مذکور طی سالهای ۸۴-۱۳۸۰ تعدیل یافته و توزیع مناسب تر گشته است. به نظر می رسد که با مطالعه جامع و با در نظر گرفتن جمعیت هر شهرستان و فاصله آن نسبت به مرکز استان بتوان تحلیل روشن تری از موضوع نمود.

امروزه توسعه اقتصادی و اجتماعی ایران در گروه تشکیل سرمایه اجتماعی است. با توجه به توضیحات در بخش های قبل این مقاله به نظر می رسد که پیش زمینه های تشکیل سرمایه اجتماعی، سرمایه انسانی و به خصوص نقش آموزش در سرمایه انسانی است. به نظر می رسد که الگوی دانشگاه آزاد اسلامی با توجه به پراکندگی آن در کشور در راستای توسعه اقتصادی و اجتماعی است. هر چند که این الگو از نظر برنامه ریزی توزیع جمعیت دانشجویی دارای ایراداتی است، اما با توجه به ساختار و چارچوب کلی دانشگاه به نظر می رسد که در یک و یا دو برنامه پنج ساله قابل ترمیم باشد.

از آنجائی که این دانشگاه یک دانشگاه غیردولتی، اما متعلق به بخش عمومی است، به نظر می‌رسد که توانسته است قسمت قابل توجهی از وظایف دولت را در بحث آموزش و آموزش عالی را پوشش دهد.

جدول ضمیمه (۲): میانگین تعداد دانشجویان در هر واحد و مرکز بدون در نظر گرفتن مرکز استان

استانها	میانگین N-۸۴	میانگین TN-۸۴	میانگین N-۸۳	میانگین TN-۸۳	میانگین N-۸۲	میانگین TN-۸۲	میانگین N-۸۱	میانگین TN-۸۱	میانگین N-۸۰	میانگین TN-۸۰
آذربایجان شرقی	2790.17	1876.78	2696.54	1700.39	2257.75	1312.96	1984.71	1084.91	1719.54	953.87
آذربایجان غربی	2063.46	1681.75	1692.08	1363.33	1138.00	831.83	1017.15	785.83	828.69	630.08
اردبیل	4181.60	1884.00	3508.20	1679.00	2824.20	796.75	2535.60	827.75	2231.00	480.75
اصفهان	4068.71	3725.55	3934.76	3614.25	3708.52	3241.00	3167.62	2857.70	2846.38	2523.95
ایلام	3410.50	535.00	2893.50	408.00	2382.50	0.00	3739.50	0.00	1006.50	0.00
بوشهر	2903.60	843.25	3386.60	767.50	1439.20	180.75	1439.60	148.75	1628.60	71.25
تهران	11187.05	7649.33	10444.00	6747.60	9614.19	6880.73	11573.76	6364.40	10960.14	7453.00
چهارمحال و بختیاری	2900.75	643.00	2880.00	576.00	2225.75	0.00	1846.75	0.00	1534.75	0.00
خراسان	3223.00	2398.73	3379.19	2596.96	2842.89	2079.46	2314.30	1675.62	1882.70	1333.88
خوزستان	5344.63	4699.20	4269.50	3637.00	3778.88	3218.27	3161.88	2651.13	2720.88	2187.47
زنجان	5337.50	4173.80	3154.83	1940.20	4438.00	1559.60	3586.00	1298.80	3228.50	1185.20
سمنان	5337.50	4971.40	4717.33	4366.80	4018.17	3571.80	3233.50	2955.20	3279.50	2816.20
سیستان و بلوچستان	2388.71	978.67	2244.14	908.17	1659.71	255.67	1378.29	201.50	1175.14	167.00
فارس	3138.38	2670.39	2783.07	2388.07	2837.31	2477.04	2421.00	2111.71	2178.03	1946.04
قزوین	7251.50	3705.00	5289.50	1982.67	4647.00	1820.00	3590.25	1537.67	3307.75	1301.33
قم	10002.00	0.00	8852.00	0.00	8611.00	0.00	7752.00	0.00	6935.00	0.00
کردستان	2352.00	228.67	2332.75	482.33	1864.50	189.33	1922.25	196.00	1275.75	0.00
کرمان	2680.79	1776.77	2458.43	1531.08	2519.07	1567.00	2090.21	1259.69	1837.57	1156.46
کرمانشاه	3647.50	444.00	3363.00	577.00	1323.50	0.00	2170.25	0.00	1500.25	0.00
کهگیلویه-بویر احمد	4998.00	4509.50	4551.67	4071.00	5263.00	3263.00	5715.33	4415.50	3512.33	2541.50
گلستان	2576.88	1960.71	2193.75	1745.71	1732.88	1277.71	1416.50	935.86	1300.88	848.57
گیلان	3423.55	2266.10	3171.09	2066.20	2781.73	1696.90	2472.36	1445.10	2032.64	1154.70
لرستان	4652.00	3048.67	4633.14	3262.00	2740.29	2212.83	2566.86	1768.50	1739.43	1108.33
مازندران	3886.94	3629.47	3648.38	3426.13	3596.25	3353.27	2946.75	2740.00	2725.19	2524.47
مرکزی	5122.17	3689.55	4656.00	3370.00	3816.58	2342.73	3272.00	1789.09	3424.42	2396.45
هرمزگان	1868.86	850.33	1292.57	473.17	1045.00	144.17	902.57	118.33	744.00	128.33
همدان	5439.50	2853.33	4553.50	2620.67	4069.00	2441.67	3243.50	1750.00	3167.00	1514.67
یزد	3304.00	1978.25	3067.00	1958.38	2336.22	1103.63	2084.44	976.50	1939.89	780.38

جدول ضمیمه (۳): ضریب تغییرات تعداد دانشجویان در هر واحد و مرکز بدون در نظر گرفتن مرکز استان

استانها	ضریب تغییرات TN-۸۴	ضریب تغییرات TN-۸۳	ضریب تغییرات TN-۸۲	ضریب تغییرات TN-۸۱	ضریب تغییرات TN-۸۰
آذربایجان شرقی	0.94	1.04	1.23	1.29	1.41
آذربایجان غربی	1.32	1.42	1.99	1.78	1.90
اردبیل	0.80	0.76	1.33	1.32	1.73
اصفهان	1.27	1.21	1.47	1.59	1.64
ایلام	0.00	0.00	0.00	0.00	0.00
بوشهر	0.85	0.57	1.73	1.73	1.73
تهران	0.95	1.04	1.44	1.65	1.70
چهارمحال و بختیاری	0.77	0.86	0.00	0.00	0.00
خراسان	1.15	1.27	1.24	1.26	1.39
خوزستان	0.88	1.09	1.17	1.05	1.06
زنجان	0.88	1.74	2.00	2.00	2.00
سمنان	0.87	0.89	0.89	0.93	0.99
سیستان و بلوچستان	0.79	0.85	1.50	1.72	1.66
فارس	0.98	1.04	1.35	1.41	1.46
قزوین	1.14	1.18	1.42	1.41	1.41
قم	0.00	0.00	0.00	0.00	0.00
کردستان	0.82	0.48	1.41	1.41	0.00
کرمان	0.88	1.05	1.06	1.23	1.26
کرمانشاه	0.10	0.32	0.00	0.00	0.00
کهگیلویه - بویر احمد	0.71	0.69	1.00	1.00	1.00
گلستان	1.09	1.21	1.64	1.66	1.63
گیلان	1.29	1.41	1.77	1.83	2.03
لرستان	1.42	1.47	1.77	2.02	2.04
مازندران	0.79	0.87	0.92	1.15	1.28
مرکزی	0.89	0.91	1.44	1.45	1.61
هرمزگان	0.89	1.17	2.24	2.24	2.24
همدان	0.70	0.74	0.82	0.81	0.76
یزد	1.10	1.22	2.48	2.12	2.35

جدول ضمیمه (۱): تعداد دانشجویان هر استان طی سال های ۸۴-۱۳۸۰

استانها	تعداد مرکز و واحد	N-84	TN-84	N-83	TN-83	N-82	TN-82	N-81	TN-81	N-80	TN-80
آذربایجان شرقی	24	66964	43166	64717	39109	54186	30198	47633	24953	۴۱۲۶۹	21939
آذربایجان غربی	13	26825	20181	21997	16360	14794	9982	13223	9430	۱۰۷۷۳	7561
اردبیل	5	20908	7536	17541	6716	14121	3187	12678	3311	۱۱۱۵۵	1923
اصفهان	21	85443	74511	82630	72285	77879	64820	66520	57154	۵۱۷۷۴	50479
ایلام	2	6821	535	5787	408	4765	0	7479	0	۲۰۱۳	0
بوشهر	5	14518	3373	16933	3070	7196	723	7198	595	۸۱۴۳	285
تهران	21	234928	114740	219324	101214	201898	103211	243049	95466	۳۳۰۱۶۳	111795
چارمحال بختیاری	4	11603	1929	11520	1728	8903	0	7387	0	۶۱۳۹	0
خراسان	27	87021	62367	91238	67521	76758	54066	62486	43566	۵۰۸۳۳	34681
خوزستان	16	85514	70488	68312	54555	60462	48274	50590	39767	۴۲۵۳۴	32812
زنجان	6	32025	20869	18929	9701	26628	7798	21516	6494	۱۹۳۷۱	5926
سمنان	6	32025	24857	28304	21834	24109	17859	19401	14776	۱۶۷۷۷	14081
سیستان و بلوچستان	7	16721	5872	15709	5449	11618	1534	9648	1209	۸۱۲۶	1002
فارس	29	91013	74771	80709	66866	82282	69357	70209	59128	۶۳۱۶۳	54489
قزوین	4	29006	11115	21158	5948	18588	5460	14361	4613	۱۳۳۳۱	3904
قم	1	10002	0	8852	0	8611	0	7752	0	۶۹۲۵	0
کردستان	4	9408	686	9331	1447	7458	568	7689	588	۵۱۰۳	0
کرمان	14	37531	23098	34418	19904	35267	20371	29263	16376	۲۵۷۲۶	15034
کرمانشاه	4	14590	1332	13452	1731	5294	0	8681	0	۶۰۰۱	0
کهگیلویه-بویر احمد	3	14994	9019	13655	8142	15789	6526	17146	8831	۱۰۵۳۷	5083
گلستان	8	20615	13725	17550	12220	13863	8944	11332	6551	۱۰۴۰۷	5940
گیلان	11	37659	22661	34882	20662	30599	16969	27196	14451	۲۳۵۹۹	11547
لرستان	7	32564	18292	32432	19572	19182	13277	17968	10611	۱۴۱۷۶	6650
مازندران	16	62191	54442	58374	51392	57540	50299	47148	41100	۴۲۶۰۳	37867
مرکزی	12	61466	40585	55872	37070	45799	25770	39264	19680	۴۱۰۹۳	26361
هرمزگان	7	13082	5102	9048	2839	7315	865	6318	710	۵۳۰۸	770
همدان	4	21758	8560	18214	7862	16276	7325	12974	5250	۱۲۶۶۸	4544
یزد	9	29736	15826	27603	15667	21026	8829	18760	7812	۱۷۴۵۹	6243

منابع :

- ۱- متوسلی، محمود و محمدرضا آهنجیان. (۱۳۸۱). اقتصاد آموزش و پرورش، انتشارات سمت.
- ۲- سبحانی، حسن. (۱۳۸۱). " بازدهی سرمایه‌گذارهای آموزشی "، مجله تحقیقات اقتصادی، بهار و تابستان، شماره ۴۵، ص ۹۶-۷۲.
- ۳- عمادزاده، مصطفی. (۱۳۸۴). اقتصاد آموزش و پرورش، چاپ بیست و سوم، انتشارات جهاد دانشگاهی واحد اصفهان.
- 4- Becker, Gary. (1964). Human Capital, Colombia University Press.
- 5- Burt, R. (1992). Structural Holes: The Social Structural of Competition, Harvard University Press
- 6- Coleman, J.S. (1988). "Social Capital in the Creation of Human Capital", America Journal of Sociology, Vol. 94, pp. 95-120.
- 7- Florin, J., and W. Schultze. (2000). "Social Capital and Fundability of High Potential New Venture", Presented of Academic of Management Meeting, Toronto, August.
- 8- Freel, M. (2000). "External Linkages and Product Innovation in Small Manufacturing Firms", Entrepreneurship and Regional Development, Vol. 12, pp. 245-266.
- 9- Inglehart, R. (1999). "Trust, well-being and Democracy", In Mark warren (ed), Democracy and Trust, Cambridge University Press, pp. 88-120.
- 10- Inglehart, R. and W. Barke. (2000). " Modernization, Cultural change and the persistence of Tradition Values", American Sociological Review, Vol. 65, pp. 19-55.
- 11- Nahapiet, J., and S. Ghoshal. (1998). "Social Capital, Intellectual Capital and the Organization Advantage", Academy of Management Review, Vol. 23, pp. 242-266.
- 12- Putnom, R. (1999a). Making Democracy Work: Civil Traditions in Modern Italy, Princeton, NJ: Princeton University Press.
- 13- Putnom, R. (1993a). "The Prosperous Community: Social Capital and Public Life", The American Prospect, Vol. 13, pp. 35-42.
- 14- Sandberg, W. R. (1986). "New Vented Performance: The Role of Strategy and Industry Structure", Lexington, MA, Lexington Books.
- 15- Sergeldin, I., and P. Dasgupta. (2001). "Social Capital: A Multifaceted Perspective", World Bank Publication, August, 2001.
- 16- Schultz, T. W. (1961). " Investment in Human Capital", American Economic Review, Vol. 51, No. 1, pp. 1-17.

